

کتاب حبقوق

پیشگفتار

درباره کتاب حبقوق

درباره متن. متن عبری سه فصل کتاب حبقوق حاوی مشکلات متعددی است که تا حل آنها راهی طولانی در پیش است. ترجمه های قدیمی قرائت هایی به دست می دهند که اغلب متفاوت، اما همواره جالب توجه می باشند. در میان نسخه های خطی جامعه قمران که در غارهای بیابان یهودا کشف شده («نسخه های خطی دریای مرده»)، تفسیری درباره کتاب حبقوق وجود دارد که متن دو فصل اول را تقریباً به طور کامل به دست می دهد و آن را تأیید می کند. این تفسیر قدیمی ترین شاهد بر متن عبری است، چرا که تصور بر این است که پیش از آغاز تاریخ میلادی نوشته شده است. اندک تفاوت های موجود میان متن تفسیر و متن عبری، در توضیحات ما مورد اشاره قرار گرفته است.

به این ترتیب، امروزه به هنگام مطالعه نبوت حبقوق، صدای افراد مختلفی را می شنویم، یعنی صدای خود نبی که با صدای افراد دیگری در هم آمیخته که آن را به شیوه های متفاوت درک کرده اند؛ در ضمن،

این صدا در پس زمینه قرائت هایی انعکاس می یابد که از ورای ترجمه های قدیمی و سایر پژوهش های این کتاب کوچک به گوش می رسد.

طرح کتاب. پس از عنوان (۱:۱)، موعظه کتاب متشکل از دو دعای نبی به پیشگاه خدایش می باشد (۱:۲-۴ و ۱۲-۱۷). دو پاسخ به این دو دعا داده می شود: پاسخ نخست (۱:۵-۱۱) رؤیایی است در مورد پیشروی مقاومت ناپذیر لشکر کلدانیان فاتح؛ پاسخ دوم (۲:۲-۱۹) که آن نیز عنوان «رؤیا» را بر خود دارد (۲:۲)، با وحی ای آغاز می شود (۲:۲-۴) که قلب کتاب را تشکیل می دهد چرا که باید «روح لوح ها» حک شود (۲:۲). این رؤیا پنج قطعه را به دنبال دارد که با «وای» شروع می شود و بر علیه دشمن بیان شده است (۲:۶-۱۹). دو بخش انتقالی در این میان وجود دارد؛ اولی نبی را همچون دیدبان معرفی می کند (۱:۲)، و دومی دشمنی را معرفی می کند که نبی او را در پنج نوبت مورد خطاب قرار می دهد (۲:۵-۶). آیه دیگری که حالت انتقالی دارد (۲:۲۰)،

سبک سرود در فصل ۳، بیانگر ماهیت آیینی و نیایشی این شعرها است. این اشعار در کانون آیین‌های نیایش قرار داشتند. مشخص نیست که آیا سبک نبوتی بعدها شکل آیینی به خود گرفته یا اینکه متن اولیه آیینی به شکل نبوت ارائه شده است. اما به هر حال، خواننده‌ای که به این جنبه از کتاب توجه دارد، به هنگام مطالعه محتوای آن، می‌تواند شور و حرارت جمعی را که به گفت و گوهای فصل‌های ۱ و ۲ و زمزمور فصل ۳ جان می‌بخشد احساس کند و رویدادهایی را که در پس متن قرار دارد و دوره‌های متلاطمی را که در پی آن آمده تشخیص دهد.

شخصیت نبی. تحقیقاتی که در خصوص شخصیت حبقوق صورت گرفته، نتیجه قابل توجهی به دست نداده است. نام او را اغلب به معنی نام گیاه باغات تلقی کرده‌اند. کتاب او مانند سایر کتاب‌های قانونی کتاب مقدس عبری، اطلاع روشنی در مورد شخصیت و زندگی او ارائه نمی‌دهد. اما در ضمن، حبقوق پس از توزیع کتابی که نام او را بر خود دارد، پا به قلمرو افسانه گذاشت؛ به همین جهت، دان ۳۳:۱۴-۳۹ برای او نقشی در تکرار صحنه دانیال در چاه شیران قائل شده است.

آن شخص گستاخ (۵:۲). و بالاخره احتمال دارد که موعظه حبقوق بر دو موقعیت

«زمزمور» موجود در فصل ۳ را معرفی می‌کند، زمزموری که توصیف کننده مداخلت خدا است و با حمد به پایان می‌رسد.

موقعیت‌های مربوط به نبوت

موقعیت تاریخی. اشاره‌ای که به کلدانیان شده (۶:۱)، ما را به سوی این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که موعظه کتاب حبقوق را به دوره نو بابل‌ها مربوط سازیم؛ ایشان امپراطوری آشور را متلاشی کرده، سیطره خود را با موفقیت بر خاور نزدیک حکم فرما ساختند؛ این رویدادها در پایان سده هفتم قبل از میلاد رخ داد. نبی به توصیف و تفسیر این رویداد تاریخی می‌پردازد که برای مملکت یهودا عواقبی بس سنگین در پی داشت، یعنی جنگ‌های سال‌های ۶۱۰ تا ۶۰۰ ق.م. اشغال یهودا، محاصره اورشلیم، و تبعید (۲-۲۳-۲۵).

در خصوص شرایط و موقعیت‌هایی که مربوط به نگارش کتاب می‌شود، مفسران نقطه نظرهای متفاوتی دارند. عده‌ای بر این اعتقادند که هر بخش کتاب مربوط می‌شود به یک دوره از فتوحات کنعانیان، و به این ترتیب، نگارش کتاب به تدریج و مطابق این رویدادها در طول زمان و به دست نویسندگان مختلف صورت گرفته است؛ اهمیت هر بخش نیز بستگی به اهمیت نویسنده دارد.

عده‌ای دیگر بر این عقیده‌اند که سبک گفت و گوی موجود در فصل‌های ۱ و ۲ و

واقعی؛ همانگونه که در توضیحات ترجمه ما تأکید شده، مزمور فصل ۳ تنیده شده در اصطلاحاتی که یادآور این واقعیت است که خدای اسرائیل امتحان خود را در گذشته پس داده است، البته اگر درست باشد چنین بیانی را به کار برد. بنابراین، همین خدا است که می آید (۳:۳)، استحکام نتیجه گیری کتاب ناشی از همین حقیقت است: «یهوه، خداوند، قوت من است».

در طول تاریخ، در دوره های دشوار، به منظور بازیابی رؤیایی از این دست، دائماً به کتاب حبقوق متوسل شده اند. برای مثال، جامعه قمران پیام این کتاب را همچون پرتویی برای روشن ساختن مفهوم رویدادهای پریشان کننده عصر خود مورد تفسیر قرار می داد. جامعه اولیه مسیحیان از آن برای تعریف جایگاه ایماندار در ارتباطش با عیسی مسیح خداوند بهره می جست. نقل قول هایی که در عهد جدید از حب ۲:۴ شده (روم ۱:۱۷؛ غلا ۳:۱۱؛ عبر ۱۰:۳۸)، مفهوم کلمه کلیدی «وفاداری» (یا «صداقت») را گسترش داده تا معنی «ایمان» آن گونه که از سوی نگارندگان مسیحی درک می شده، تبیین گردد (ر.ک. روم ۹:۱۰، توضیح Z). این تأکید را در اکثر نوشته های پدران کلیسا که از این آیه حبقوق استفاده کرده اند، می توان یافت. همچنین می دانیم که این موضوع، در سرلوحه اثر اولیه لوتر، یعنی «تفسیر رساله به رومیان» قرار دارد.

متفاوت دلالت داشته باشد: واضح است که نبی از کلدانیان، این دشمنان خارجی انتقاد می کند، خصوصاً از فرمانروای ایشان که در فتوحات خود بی رحم و سیری ناپذیر است؛ اما در کنار آن، در برخی از خطاب های فصل دوم، انتقادی از شخصی دیگر را نیز مشاهده می کنیم، و این کسی نیست جز پادشاه یهودا که احتمالاً همان یهوایقیم است؛ وی در داخل مملکت، مسبب بی عدالتی هایی است که دست کم از نقطه نظر نبی، به وخامت آن بی عدالتی ای است که از جانب دشمن کلدانی روا داشته می شود. در این خصوص، می توان ۲:۶-۱۲ را با ۲۲:۱۳-۱۹ مقایسه کرد.

پیام کتاب و تفسیر آن

آن هنگام که شرایط ملی و بین المللی، بنیادهای ارتباط میان خدا و قومش را به لرزه درمی آورد، فاجعه ای در جامعه ایمانداران در شرف تکوین است. پیام نبوت حبقوق پیش از هر چیز پیام «شخص وفادار» است که با اینکه سردرگم شده، یا شاید هم به همین علت، از خدا نزد خود او شکایت می برد، خدایی که عملش در تاریخ غیرقابل درک شده است. پاسخ فرا می رسد؛ در آن، کلمه کلیدی «وفاداری» (۴:۲ و توضیح) مطرح می شود. این وفاداری که بنیاد زندگی شخص ایماندار و توجیه آن است، اجازه می دهد وفاداری خدا دیده شود؛ وفاداری ای که علی رغم ظاهر امور، امری است بسیار

نخواهد زیست» و نفی بخش اول آیه را به بخش دوم آن تَسْرَى می دهند؛ یا اینکه آن را تأییدی بر راه حلی نامرغوب تلقی می کنند، راه حلی که با اکراه در مقابل پای مؤمنای فاقد شور و شوق قرار می دهند و چنین می گوید: «برای آنانی که یوغ تورات را بسیار سنگین می بینند و نمی توانند تمام ۶۱۳ حکم آن را اجرا کنند، این امتیاز داده می شود که تنها به یکی از آنها گردن نهند، به ساده ترین آنها، یعنی پذیرش حکم یکتاپرستی، یک حداقل».

چنین تفسیری احتمالاً با ظهور مسیحیت اشاعه یافته است؛ به همین سبب است که از قرن دوم میلادی به بعد، مفسران یهود کوشیده اند تا اهمیت تأکید کلیدی کتاب را کم رنگ جلوه دهند، یعنی این آیه را که می فرماید: «اینک او از پا در می آید، هم او که روحش راست نیست، اما عادل به واسطهٔ صداقتش خواهد زیست»؛ ایشان یا این آیه را این چنین قرائت می کنند: «... روحش در او راست نیست و عادل به واسطهٔ صداقت خویش (یعنی صرفاً به واسطهٔ ایمانش)

کتاب حقوق

عنوان

۱ اوحی ای^a که حقوق نبی دید.

زیرا که بدکار شخص عادل را احاطه میک^۷:۲
می کند^e:

به این سبب است که چیزی جز حق
کاذب پدیدار نمی گردد.

دعا

۲ تا به کی، ای یهوه، کمک بطلبم
بی آنکه گوش فرا دهی،

و با شدت به سوی تو فریاد بر آورم
بی آنکه نجات بخشی؟

۳ چرا ظلم را به من نشان می دهی
و باید به شرارت بنگرم^b؟

ویرانی و خشونت در برابر من است؛
مشاجره هست و مجادله بر می آید^c.

۴ به این سبب است که شریعت
بی حرکت است

و حق دیگر هرگز پدیدار نمی گردد^d،

رؤیا

۵ در میان ملت ها نظر کنید؛ بنگرید^f!
مبهور باشید و متحیر^g؛

چرا که در روزگار شما کاری خواهیم کرد
که اگر آن را برایتان بازگو می کردند،
باور نمی کردید.

۶ زیرا اینک کلدانیان^h را بر می انگیزم،
قومی وحشیⁱ و تندخو^j.

که گستره های زمین را می پیماید
تا مسکن هایی را که از آن او نیست

a ر.ک. توضیحات اش ۱:۱۳.

b قرائت عبری: «می نگری؟»

c می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «آن هنگام که دعوی هست، ناسزا غلبه می یابد».

d تحت اللفظی: «حق دیگر هرگز بیرون نمی آید». همین فعل در آیه ۷ نیز به کار رفته است.

e می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «آن هنگام که بدکار می تواند عادل را خفه کند».

f ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی. این آیه در اع ۴۱:۱۳ از ترجمه یونانی هفتادتنان نقل شده که اندکی با متن عبری تفاوت دارد؛ یکی از تفاوت ها این است که به جای «در میان ملت ها»، آمده «شما ای متکبران»؛ در مصرع سوم نیز که در عبری ضمیر سوم شخص جمع غیرشخصی به کار رفته («کاری خواهند کرد»)، ضمیر اول شخص مفرد به کار برده شده.

g ر.ک. اش ۹:۲۹؛ ۹:۱۳؛ ۸:۴؛ ۹:۹.

h کلدانیان یا نو-بابلی ها در این زمان به تازگی قدرت آشور را در هم شکسته بودند و برای تصرف تمام خاور نزدیک آماده می شدند.

i تحت اللفظی: «تلخ».

j در آیات ۶-۱۱، افعال گاه مفرد هستند و گاه جمع تا به عامل اصلی روی صحنه که نبی به توصیفش می پردازد، اشاره کند؛ وقتی به کلدانیان اشاره می شود، افعال جمع است، و وقتی به ملت یا حاکم آن اشاره می شود، یعنی حاکمی که ملت را در جنگ رهبری می کند، افعال مفرد است.

اشغال کند.

او هراس انگیز است و هولناک،

از او بیرون می آید حق او و غرور او^k.

اسپانش سریع تر از پلنگ می باشند،

چابکتر از گرگ های شبانگاه؛

سوارانش می جهند،

سوارانش از دور فرا می رسند،

پرواز می کنند به سان عقابی که برای

دریدن فرود می آید^l.

جملگی برای خشونت فرا می رسند،

با رخساری بر افروخته همچون باد

شرقی^m،اسیران را همچون ریگ جمع می کنندⁿ.

او و پادشاهان را به تمسخر می گیرد

و حاکمان برای او قهقهه می باشند؛

به هر دژی می خندد،

خاک را توده می کند و آنها را

می گیرد^o.آنگاه به سان باد عبور می کند^p واش ۱۱:۱
۱۳:۱۰

صف ۳:۳

اش ۳:۲۹
ار ۶:۶
لو ۴۳:۱۹

غوطه ور می نماید!

جنایتکاری که قوت خود را خدای خویش

می سازد!

۷:۱

دعا

ای یهوه، آیا تو از زمان های کهن

تث ۲۷:۳۳
مز ۱۰۹:۲-۲
۲:۹۳

خدای من نیستی، قدوس من که

نمی میری^q؟

ای یهوه، برای داوری او را تعیین

کرده ای^r،ای صخره^s، برای مجازات کردن او را

مقرر داشته ای.

چشمان تو پاک تر از آن است که مز ۵:۶

بدی را ببیند

و نمی توانی به شرارت بنگری؛

از چه روی به خائنان می نگری

و ساکت می مانی آن هنگام که بدکار مز ۳۵:۲۲

کسی عادل تر از خویش را می بلعد؟

با انسان ها همچون ماهیان دریا عمل

k. ر. ک. توضیحات آیه ۴.

l تحت اللفظی: «که برای خوردن شتاب می کند».

m تحت اللفظی: «جهت صورتشان به سوی جلو» معنی احتمالی دیگر: «رخسار به سوی جلو نگه داشته شده».

n این اشاره ای است به فرمول نسبتاً متداولی که به عنوان تصویر انبوه جماعات مورد استفاده بوده است: ر. ک. پید ۱۷:۲۲: ۱-پاد ۴:۲۰ و غیره.

o کافی بود که در مقابل هم دژی، همان تاکتیک کارساز محاصره را که ابداع کرده، به کار ببرد. این تاکتیک محاصره عبارت بود از عملیات خاکریزی. ر. ک. ۲- سمو ۱۵:۲۰.

p «به سان باد» ترجمه ای است مبتنی بر گمان: قرائت عبری: «آنگاه باد عبور می کند» این مصرع دارای ساختاری مشابه اش ۸:۸ می باشد.

q ترجمه ما حاوی اصلاح است. قرائت عبری: «خدای من، قدوس من؛ ما نخواهیم مرد». طبق سنت کاتبان که متن عبری را نسخه برداری می کردند، متن اولیه مطابق همان چیزی بوده که ما در ترجمه خود آورده ایم. به همین جهت، ترجمه آرامی چنین آورده: «شخص تو برای قرن ها باقی خواهد ماند».

r نپی از فاتح نزد خدا لب به شکایت می گشاید؛ خدا او را همچون ابزار تقدیر خود برگزیده بود، اما او از رسالت خود پا فراتر گذاشته بود. در آیات ۱۵-۱۷ بار دیگر از شرارت های او سخن به میان آمده است.

s در خصوص خدایی که «صخره» است، ر. ک. تث ۳۲:۴، ۱۵، ۱۸، ۳۰، ۳۷؛ مز ۱۸:۳۲ و غیره. این مصرع را می توان مانند آکیلا و سیماک و ترجمه های آرامی و وولگات این گونه نیز استنباط کرد: «تو او را همچون صخره ای برای مجازات کردن مقرر داشته ای».

می کنی،
همچون خزندگانی که اربابی ندارند.^{۱۵}
و همه آنها را به قلاب می گیرد،
آنها را به تور خود می کشد،
آنها را در دام خود جمع می کند.^{۱۶}
از این رو در شادی و شادمانی است،
از این رو برای تور خود قربانی
می کند
و برای دام خود بخور می سوزاند؛
زیرا به خاطر آنها، سهم او چرب
است.^{۱۷}
و خوراکش فراوان می باشد.
از این رو دائماً تور خود را تخلیه
می کند.^{۱۸}
و ملت ها را بدون ترحم قتل عام
می نماید.

نبی دیده بان^{۱۹}

۲
می خواهم در مقرر نگهبانی ام قرار
بگیرم
اش: ۲۱: ۸

و بر حصارم بایستم؛
مترصد خواهد بود تا ببینم مرا چه
می گوید،
و به سرزنش^{۲۰} چه پاسخی خواهد داد!

پاسخ خدا: سرنوشت عادل و ستمکار

^{۲۱} بیهوه مرا پاسخ داد و گفت:

رؤیا را بنویس

و آن را بر لوح ها^{۲۲} حک کن

تا آن را به روانی^{۲۳} بخوانند.

^{۲۴} زیرا این هنوز رؤیایی است برای زمان

معین؛

آن آرزوی پایان را دارد^{۲۵} و دروغ نخواهد

گفت؛

اگر تأخیر نماید، منتظرش باش:

به یقین خواهد آمد و تأخیر نخواهد

نمود.

^{۲۶} اینک او از پا در می آید، هم او که

روحش راست نیست^{۲۷}،

اما عادل به واسطه صداقتش خواهد

t ر. ک. امت ۷:۶: ۲۷:۳۰: پیدای ۲۴:۱ و ۲۶:۶: ۷:۷: ۱۴:۷ و غیره.

u منظور فاتح است (ر. ک. انتهای آیه ۱۲).

v ماهیگیری و شکار تصاویری از میدان جنگ است: ر. ک. ار ۱۶:۱۶: حزق ۱۲:۱۳: ۱۷:۲۰: ۲۹:۴: ۳۲:۳.

w «تورخود» و «دام خود»: به وسیله های اقتدارش اشاره میکند گویا به خدایان قربانی تقدیم میکند.

x این مصرع را که به خوبی منتقل نشده، کمی سبک تر کرده ایم. منظور این است که آن کلدانی از پر کردن و تخلیه تور خود باز

نمی ایستد؛ این اشاره ای است به پیروزی های پی در پی او. تفسیر قمران که قدیمی ترین گواه بر متن عبری است، چنین آورده:

«آنگاه شمشیر خود را از نیام بر خواهد کشید».

y ر. ک. اعد ۳:۲۳: اش ۸:۶: ۲۱: ۱۱: ار ۱۷:۶: حزق ۳:۱۷: ۳۳:۱-۹: ۹: ۸:۹: مز ۵:۴.

z منظور شکایت نبی است: ر. ک. ۱۲:۱-۱۷

a وسیله ای است برای حفظ نوشته هایی که باید محفوظ بمانند، ر. ک. خروج ۲۴:۱۲: ۲۷:۸ و غیره: تث ۴:۱۳: ۵:۱۹: اش

۸:۳۰ و به گونه ای نمادین، ار ۱۷:۱: امت ۳:۳: ۷:۳.

b تحت اللفظی: «تا آن که بدود آن کس که در آنجا می خواند».

c یا «مربوط به پایان می شود».

d تحت اللفظی: «اینک او (مؤنث) باد کرده است، او راست نیست روحش در او (مذکر)» باید توجه داشت که «روح» می تواند هم

به «شخص» اشاره داشته باشد، و هم به «گلو»، مانند آیه بعدی (ر. ک. توضیحات غزل ۱:۷). منظور شخص ستمگر است که

رفتارش در ادامه فصل توصیف خواهد شد. این مصرع در ترجمه های مختلف به گونه های متفاوت آمده است: قرائت یونانی: «اگر

پیمان شکنی کند، روحم در او خرسند نخواهد شد» قرائت وولگات: «آنکه ناباور است، روحش در او راست نخواهد بود».

تث: ۲۷: ۸:
اش: ۳۰: ۱: ۸:
ار: ۳۰: ۲:
مکا: ۱۹:

دان: ۸: ۱۹: ۲۶:
اش: ۱۴: ۱۰:
عبر: ۳۷: ۱۱: ۲۷: ۳۵:
عبر: ۱۰: ۳۷:
۳-بط: ۳: ۹:

روم ۱: ۱۷: زیست^e
غلا ۳: ۱۱: ۵
عبر ۱۰: ۳۸: ۵

۵ پس چقدر بیشتر آدم خائن نخواهد
زیست^f،

و شخص گستاخ کامیاب نخواهد شد،
او که گلوی^g خود را همچون شئول^h باز
می کند،

او که همچون «مرگ» هیچگاه سیری
نمی پذیرد،

و تمامی ملت ها را برای خود گرد
می آورد

و تمامی قوم ها را برای خود جمع
می کند.

۶ آیا همگان بر علیه او گفته های هجوآمیز
بیان نخواهند کرد،

و سخنان نیشدار و معماها خطاب به او
(نخواهند گفت)؟

۴: ۱۴: اش
میک ۲: ۴:

خواهند گفت!

پنج «لعنت»

وای بر آن کس که انباشته می کند آنچه اش ۵: ۸
را که از آن او نیست

- تا به کی؟ -

و بر خود باری از رهن ها می نهد!

۷ آیا طلبکارانت به ناگاه سر بر

نخواهند آورد،

و ستمگرانت بیدار نخواهند شد؟

و تو طعمه ایشان خواهی شد!

۸ از آنجا که ملت های بی شمار را غارت

کرده ای،

آنچه از قوم ها باقی مانده، تو را غارت

خواهد کرد،

به سبب خون انسان ها و ستمی که در

حق زمین روا داشته ای،

در حق شهر و تمام آنان که در آن

ساکن اند.

۹ وای بر آن کس که برای خانه خویش

سودی نادرست به دست می آورد،

اش ۳۳: ۱:
ار ۵۰: ۲۹:
عوا ۱۵:
مکا ۱۸: ۶-۷:
۱۷: ۲:

e ما در ترجمه خود، این کلمه عبری را «صداقت» برگردانده ایم چرا که با کلمه «راست» در مصرع قبلی سازگارتر است (ر.ک.

۱- سمو ۲۶: ۲۳: ۵: ار ۱۰: ۳۱: ۷: ۲۸: امث ۲۸: ۲۰: ۲۰: ۲- تووا ۳۱: ۱۸: و غیره). ترجمه هفتادتنان برای آن از کلمه یونانی

«پیستیس» استفاده کرده، به معنی «وفاداری» تقریباً نیمی از نسخ خطی یونانی چنین آورده اند: «عادل به واسطه وفاداری به

من (یا: به واسطه وفاداری من) خواهد زیست». نقل قول های این مصرع در عهد جدید (روم ۱: ۱۷: غلا ۳: ۱۱: عبر ۱۰: ۳۸)

دلالیت بر گونه های مختلف دارد: اما این گونه ها به کلمه ای که در اینجا «صداقت» ترجمه کرده ایم و در عهد جدید عموماً

«ایمان» ترجمه شده، مربوط نمی شود. در خصوص نگرش های مختلف در زمینه تفسیر این آیه، ر.ک. به مقدمه کتاب.

f «خواهد زیست» ترجمه ای است حدسی: قرائت عبری: «شراب خائن است». منظور از «خائن»، نظیر «شخص گستاخ» در

مصرع بعدی، کماکان همان شخص کلدانی است (ر.ک. ۱۳: ۱). بعضی دیگر چنین ترجمه کرده اند: «به درستی که شراب

فریبنده است». در برخی ترجمه های دیگر نیز با توجه به تفسیر قمران چنین آورده اند: «به درستی که ثروت خائن است».

g ر.ک. توضیحات d مربوط به ۴: ۲.

h «شئول» دلالیت دارد به مکانی در زیر زمین که مردگان در آنجا گرد می آیند: گاه نیز نماد حرص و طمع می باشد (امث ۲۷: ۲۰:

۳۰: ۱۵-۱۶: ر.ک. اش ۵: ۱۴).

i تحت اللفظی: «خواهد گفت»، اما فاعل فعل مشخص نیست، مانند ۵: ۱. ترجمه ما مبتنی است بر تفسیر قمران و ترجمه

یونانی.

j قرائت عبری: «خون ها» که دلالیت دارد بر خونی که در اثر جنایت ریخته شده: مشابه آیه ۱۲: ر.ک. آیه ۱۷.

بر آن کس که زهر خود ^o را می ریزد تا آن حد که او را مست سازد، تا عریانی او را بنگرد! ^۶ تو خود را از رسوایی سیر ساخته ای، نه از جلال؛ (پس) تو نیز بنوش و دچار سرگیجه شو! ^p آن بر تو باز خواهد گشت، آن جام ^q دست راست یهوه، و پستی بر جلالت! ^{۱۷} زیرا ستمی که بر لبنان روا داشته شده بر تو نازل خواهد شد و ویرانی حیوانات هراسانت خواهد ساخت ^r ، به سبب خون انسان و ستمی که در حق زمین روا داشته شده، در حق شهر و آنان که در آن ساکن اند ^s . ^{۱۸} به چه کار آید [تمثالی] تراشیده شده، تا آن کس که آن را شکل می بخشد بتراشدش ^t ؛	تا آشیانه خود را بر بلندی ها قرار دهد، و از گزند بلا بگریزد! آنچه برای خانه خود مقرر کرده ای، همانا شرم است؛ با فرو کوفتن قوم های بسیار در حق خود ^k گناه ورزیده ای؛ ^{۱۱} چرا که سنگ از دیوار فریاد برمی آورد و تیر از دار بست ^۱ به او پاسخ می گوید. ^{۱۲} وای بر کسی که شهری را با خون بنا می کند و شهری را با بی عدالتی بر پا می دارد! ^{۱۳} آیا این از جانب لشکرها نمی آید که قوم ها خود را برای آتش خسته کنند و ملت ها خود را برای هیچ درمانده سازند ^m ؟ ^{۱۴} زیرا که زمین آکنده خواهد شد از شناخت جلال یهوه آن سان که [قعر] دریا از آب هایی که آن را می پوشاند (آکنده می شود) ⁿ . ^{۱۵} وای بر آن کس که به همسایه خود می نشانند،	اعد: ۲۱:۲۴؛ اش: ۱۳:۱۴؛ آز: ۴۹:۱۶؛ عو: ۴
	۱۷:۱؛ ۱۷:۸، ۶:۲؛ اش: ۷:۱۰؛ لو: ۴۰:۱۹؛ ار: ۱۳:۲۲؛ میگ: ۱۰:۳	
	۵۸:۵۱؛ سازند ^m ؟	
	اش: ۹:۱۱؛ می نشانند،	

k تحت اللفظی: «بر علیه حیات خودت گناه کرده ای» یا «بر علیه جان خودت...» که منظور گناه کردن در حق خویشتن است.

l تحت اللفظی: «چوب» که اصطلاحی است بسیار کلی.

m ر.ک. ار ۵۸:۵۱.

n اش: ۹:۱۱؛ و نیز اعد ۲۱:۱۴؛ اش: ۳:۶؛ ۳۳:۳۱؛ ۴۰:۵؛ مز ۱۹:۷۲.

o ر.ک. توضیحات آیه ۵ (شراب خائن است). ترجمه های احتمالی دیگر: «مشک خود را می ریزی» یا «غضب خود را انباشته می کنی» کلمات «زهر» و «ریختن» می تواند چندین معنی به خود بگیرد.

p «در خصوص رسوایی» ر.ک. امث ۲:۱۱؛ ۱۸:۱۳؛ ۳:۱۸؛ ۷:۴. «سرگیجه شو»: ترجمه ما در اثر جایجایی دو حرف در کلمه عبری ناشی شده و نیز مبتنی است بر تفسیر هفتادتنان و تفسیر قمران.

q جامی که در دست راست خدا است، تصویری است از خشم او. اش ۱۷:۵۱-۲۳؛ ار ۱۵:۲۵؛ مز ۳:۷۵-۹ و غیره؛ در عهد جدید ر.ک. مکا ۱۰:۱۴؛ ۷:۱۵؛ ۱:۱۶؛ ۹:۲۱.

r «ویرانی حیوانات» احتمالاً در اثر شکارهای مکرر و ویرانگر حادث می شود. «هراسانت خواهد ساخت» مبتنی است بر ترجمه های یونانی و سریانی و تارگوم: قرائت عبری: «هراسان نشان خواهد ساخت». در خصوص معنی این اصطلاح، ر.ک. ار ۳۷:۴۹؛ ۱۷:۱.

s ر.ک. آیه ۸.

t تأکید بر سازنده تمثال بیانگر منشاء کاملاً انسانی و مادی بت ها است. این آیه منادی آیه بعدی است که شامل پنجمین و آخرین «وای» است.

مزمور

۳^۱ دعای حقوق^w نبی در مایه شکوه^x
 ۲ ای یهوه، درباره تو سخن ها
 شنیده ام^y،
 نظاره کرده ام، ای یهوه، عمل تو را^z.
 در طول سال ها، آن را زنده ساز،
 در طول سال ها، آن را بشناسان؛
 در خشم، به یاد آور که ترحم نمایی.
 ۳ الوآه از تیمان^a می رسد،
 و آن قدوس، از کوه فاران^b. (سلاه^c)
 جبروت او آسمان ها را می پوشاند،
 و حمد او زمین را پر می سازد.
 ۴ درخشش او به سان نور است^d،
 اشعه ها^e از پهلوهایش بیرون می آیند؛
 در اینجا است که قوتش پنهان می شود.

بتی از فلز ذوب شده و وحی ای
 دروغگو،

تا آن کس که آن را شکل می بخشد به
 آن اعتماد کند،

که «نیستی هایی^u» لال می سازد.

۱۹ وای بر آن کس که به چوب می گوید:

«بیدار شو!»

و به سنگ خاموش: «برخیز!»

آیا آن می تواند تعلیم دهد؟

آن بی گمان با طلا و نقره پوشیده شده،

اما در میانش دمی نیست!

۲۰ اما یهوه در معبد مقدس^v خویش

تث ۱۵:۲۶ است؛

ای تمامی زمین، در برابر او خاموش

اش ۲۲:۴۰؛

میک ۲:۱؛

مز ۱۱:۴؛

صف ۷:۱؛

زک ۱۷:۲؛

مکا ۱:۸؛

۱-۸:۳۰؛

۷:۹۷؛

۵:۹۶؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

۷:۹۷؛

u «نیستی»: عنوانی است تحقیرآمیز برای بت ها. در خصوص این وجه تسمیه، ر.ک. اش ۸:۲، ۱۰، ۲۰، ۱۰:۱۰؛ ۱۰:۱۹، ۱:۳؛ مز ۵:۹۶؛ ۷:۹۷؛ و غیره. «دروغگو»: در مشرق زمین باستان، متداول بود که حرکتی را که بر تمثالی نقش می کردند، به عنوان وحی های ناشی از آن بت تفسیر کنند؛ معنی آیه ۱۹ برخاسته از همین نکته است.

v اشاره به مسکن خاص او است که معبد اورشلیم تصویر و نمونه ای از آن است (خروج ۲۵:۴۰). این آیه در حکم نتیجه گیری است و مقدمه ای است بر فصل ۳ که آمدن خدا را اعلام می دارد.

w این عنوان را می توان با عناوین مزامیر مقایسه کرد. در خصوص «دعا» ر.ک. مز ۱۷:۸۶؛ ۹۰؛ ۱۰۲؛ ۱۴۲. این عنوان شامل مشخصات نگارنده یا کتابی که مزمور جزو آن است نیز می باشد. در آیه ۱۹ مشخصات دیگری ارائه شده است.

x می توان «اعتراف» نیز ترجمه کرد. معنی دقیق این کلمه به درستی شناخته شده نیست و ترجمه های قدیمی قرائت های متفاوتی به دست داده اند. ر.ک. «مقدمه مزامیر».

y ترجمه های محتمل دیگر: «آنچه را که اعلام داشته ای شنیده ام»؛ یا «آوازه تو را شنیده ام»؛ یا «وصف آنچه را که به عمل آورده ای شنیده ام».

z ر.ک. اش ۵:۱۲؛ مز ۶۴:۱۰؛ ۷۷:۱۳؛ ۹۰؛ ۱۶؛ ۹۲؛ ۵:۹۵؛ ۹:۱۱۱؛ ۳:۱۴۳؛ ۵:۵. به احتمال قوی «عمل تو»: ارجاع می کنند به کارهای شگفت انگیز خدادرزمان خروج. ر.ک. مز ۴۴:۲.

a منظور دیار ادم است که میان صحرای سینا و ناحیه یهودا واقع بود. ر.ک. توضیحات زک ۱۴:۹.

b این کوه را با کوه سینا (تث ۳۳:۲) و اماکن مقدس مکاشفه الهی در صحرا همسان به شمار می آورند. خدا خود را از طریق طوفان و زمین لرزه مکشوف کرده و می کند.

c «سلاه» یعنی مکت. این اصطلاح که در آیات ۹ و ۱۳ نیز تکرار شده، مربوط به آیین نیایش می شود و در مزامیر بسیار به کار رفته. این اصطلاح در ترجمه آرامی نیامده است.

d تحت اللفظی: «درخشش نورانی می شود».

e تحت اللفظی: «دو شاخ»؛ ر.ک. خروج ۳۴:۲۹-۳۰ و توضیحات z.

بید: ۹:۱۳ زک: ۹:۱۳ مرا: ۲:۴ ۱۲:۳ نت: ۳۲:۲۳ خز: ۵:۱۶	کمانت برهنه شده است ^۹ ، زه آن را با تیرها سیر می سازی ^۱ . (سلاه) زمین را به شکل سیلاب ها می شکافی، کوه ها تو را می بینند؛ در هراس اند، سیلابی عبور می کند، لجّه ^m صدای خود را می شنواند، در آن بالا، دست های خود را بر می افرازد. خورشید ... ^{۱۱}	دور: ۵:۴-۵ اش: ۴۲:۱۵ مز: ۱۸:۸ ۹-۸:۶۸ ۴:۱۱۴	در برابر او «طاعون» راه می رود، و «تب ^f » گام های او را دنبال می کند. متوقف می شود و زمین را به لرزه در می آورد، می نگرد و ملت ها را به جهش در می آورد؛ کوه های ابدی ^g متلاشی می شود، تپه های کهن فرو می ریزد، راه های همیشگی اش ^h ! خیمه های کوشان را در مصیبت دیدم، پرده های سرزمین مدیان ^۱ می لرزند! ای یهوه، آیا بر علیه رودها خشم زبان می کشد، یا تعبیرت بر علیه دریا، که (این گونه) بر اسبانت سوار شده ای بر ارا به های پیروزی ات؟
خرو: ۱۹:۱۸ مز: ۷۷:۱۷-۱۸	ماه در مسکن خود باز می ایستد ⁿ ، در نور روشنائی تیرهایت که می پرند، در روشنائی برق های نیزه ات. با غضب زمین را می پیمایی، با خشم ملت ها را لگدمال می کنی. برای نجات قومت بیرون آمده ای، برای نجات دادن مسیحت ^o ؛	اش: ۶۳:۳-۶ مز: ۱۱۰:۶	نت: ۳۳:۲۶-۲۷

f این کلمه به معنی «شعله» و «برق/تندر» نیز هست، در معنایی کلی تر، «مصیبت» نیز معنی می دهد. این کلمه نزد کنعانیان نامی خاص است متعلق به «رشف»، خدای ویرانگر.

g اصطلاح «کوه های ابدی» و نیز «تپه های کهن» در دعاهای برکت پاتریارخ ها و قبیله های اسرائیل به کار رفته است (بید ۴۹:۲۶؛ نت ۳۳:۱۵؛ ر.ک. مز ۹۰:۲؛ امث ۸:۲۵؛ ایوب ۱۵:۷).

h مطابق آیات ۳-۶ منظور مسیرهایی است که در طی آنها، پاتریارخ ها و قوم دوره خروج آموختند تا خدا را بشناسند. این امر که نشانی است از نوعی قربابت با موضوع های مورد استفاده در مذهب کنعانیان و قبیله های صحراهای جنوب، فقط منحصر به مزمور حقوق نمی شود؛ در اینجا، مانند ساری بخش های کتاب مقدس، این موضوع ها در خدمت تبیین ایمان قوم اسرائیل قرار گرفته است.

i سرزمین مدیان با کوه خدا مرتبط شده است (خروج ۳:۱-۶) «کوشان» نام مکانی است و فقط در اینجا به کار رفته؛ احتمالاً اشاره ای است به مردمانی بدون ساکن در صحرای شبه جزیره سینا (ر.ک. توضیحات اعد ۱۲:۱).

j طبق نظر برخی از صاحب نظران، این آیه برگرفته از یکی از موضوع های مذهب کنعانیان است که بر اساس آن، خدای بعل بر طغیان مشترک نهرهای آب و دریا مسلط است (شعر اوگاریت، سده ۱۴ ق.م.) اشاره صریح به گذر از دریای سرخ در آیه ۱۵ آمده است.

k احتمالاً منظور این است که کمان از غلاف خود بیرون کشیده و به دست گرفته شده. قرائت یونانی: «کمان خود را می کشی».

l قرائت عبری: «سوگندها تیرهای کلام تو می باشند». ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان و بر چند نسخه خطی هفتادتنان.

m «لجه» یکی از عناصری است که بر اساس پید ۱:۲، پیش از خلق جهان موجود بوده است. در اسطوره های بابلی، لجه همچون شخص تلقی شده است.

n ر.ک. یوشع ۱۰:۱۲-۱۳ در اینجا، عظمت و شکوه سلاح های الهی برتر از درخشنده ترین ستارگان توصیف می شود. «خورشید...»: دنباله این مصرع موجود نیست.

o مسح کردن با روغن مقدس که شخص را «مسح شده» (مسیح) می ساخت (ر.ک. توضیحات خروج ۳۰:۲۵)، مخصوص پادشاهان بود (۱- سمو ۱۰:۱۰؛ ۱۳:۱۶؛ بنسی ۱۳:۴۶؛ ۲- سمو ۲:۴؛ ۳:۵؛ مز ۴۵:۸ و غیره). این روغن همچنین برای کاهن اعظم (خروج ۲۹:۷ و توضیحات: لاو ۴:۳، ۵، ۱۶؛ ۱۵:۶؛ مز ۸۴:۱۰؛ ۱۳۳:۲؛ زک ۴:۱) و برای تمام کاهنانی که پسران هارون بودند (خروج ۳۰:۳۰؛ ۱۵:۴۰) و گاه برای انبیا (۱- پاد ۱۹:۱۶؛ ر.ک. اش ۱:۶۱؛ لو ۴:۱۸) به کار

روز پریشانی را در حال استراحت انتظار می کشم	نوک خانه شخص بدکار را خرد کرده ای،	
(روزی را) که بر خواهد خاست برای قومی که بر ما یورش می آورد ^{۱۷} .	و بنیادهایش را تا به صخره عریان ساخته ای. (سلاه)	
^{۱۷} زیرا درخت انجیر شکوفه نمی آورد و در تاکستان ها حصادی نیست:	^{۱۴} با تیرهای سر بزرگانش را سوراخ کرده ای	
محصول زیتون باعث دلسردی است و مزرعه ها چیزی برای خوردن نمی دهند؛	که همچون طوفان حمله می کردند تا مرا پراکنده سازند	
میش ها از آغل ناپدید می شوند و دیگر گاوی در طوبله نیست!	با فریادهای شادی، گویی شخصی شوربخت را در نهانگاه از میان می برند ^p .	
^{۱۸} اما من می خواهم در یهوه شادی کنم، می خواهم در خدای نجاتم شادمانی کنم.	^{۱۵} با اسبانت دریا را لگدمال کرده ای، جوشش آب های عظیم را!	اش ۱۷-۱۶:۴۳-۲۰:۷۷ مز
^{۱۹} یهوه، خداوند، قوت من است، پای هایم را شبیه پای های گوزن ماده می سازد،	^{۱۶} شنیدم و بطنم لرزید، در اثر این صدا ^r ، لبانم به تشنج آمد؛ کرم خوردگی به استخوان هایم نفوذ می کند ^s	اش ۴-۳:۲۱-۱۹:۴۳-۲۳:۲۷-۱۸:۸-۲۷:۲۷-۱۸:۱۰-۱۲:۱۱۹ مز
و کاری می کند که بر بلندی ها راه بروم! برای رهبر سرود؛ برای سازه های زهی ^u .	و گام هایم در زیر من می لرزند.	

می رفت. توازی موجود میان مصرع اول و دوم این آیه، همچنین این مفهوم را القاء می کند که جامعه متشکل از قوم برگزیده، یعنی قوم ملوکانه و کهنانتی (خروج ۱۹:۶؛ اش ۶۱:۶؛ ر.ک. ۱- پطر ۲:۵، ۹؛ مکا ۱:۶؛ ۵:۱۰؛ ۲۰:۶)، و قوم انبیا (اعد ۱۱:۲۹؛ یول ۳:۱) نیز مسیح بوده اند. در مز ۲۸:۸؛ ۱۰۵:۱۵ نیز همین مفهوم را مشاهده می کنیم، یعنی مفهوم قومی را که مسیح است.

p منظور همان «مسکین» یا «تحقیر شده» مذکور در مز ۹:۱۹؛ ۱۰:۲؛ ۹:۱۲؛ ۱۴:۶؛ ۱۸:۲۸ و غیره می باشد که در چنگال دشمنانش قرار گرفته است.

q احتمالاً اشاره ای است به گذر از دریای سرخ (خروج ۱۴-۱۵).
r یا «در اثر این آوا».

s تحت اللفظی: «پوسیدگی به درون استخوان هایم می آید»؛ ر.ک. هو ۵:۱۲؛ ایوب ۱۳:۲۸؛ امث ۱۲:۴؛ ۱۴:۳۰.

t می توان این گونه نیز ترجمه کرد که «انتظار می کشم که روز پریشانی بر قومی که بر ما یورش می آورد بر آید».

u این فرمول را در ابتدای برخی از مزامیر مشاهده می کنیم؛ ر.ک. آیه ۱؛ ر.ک. «مقدمه مزامیر» و مر ۴:۶؛ ۵۴؛ ۵۵؛ ۶۷؛ ۷۶.